

مسافر سنت در هزاره سوم

شنبه | توی خیابان درحال پیاده روی هستم که کسی از دور به من اشاره می کند و همین طور که جلو می آید، سرش را تکان می دهد. وقتی جوان کاپشن مشکی نزدیک تر می شود، با شوق و ذوق سلام می کند و لیخند زان می گوید: «خیلی دلم می خواست شما رو از نزدیک ببینم.» بعد انگار دنبال کلمه‌ای برای بیان احساس خود می گردد. قدری مکث می کند و برای اینکه نهایت محبت و خوشحالی اش را نشان دهد، اضافه می کند: «چجوری بگم؟ باور کنید اگه یک خواننده معروف رو می دیدم، این قدر خوشحال نمی شدم.»

یکشنبه | یکی از بستگان در مورد یکی از نوشته هایم که به گمان او تند است، تذکر می دهد و نصیحت می کند. می گوید: «فکر می کنی اینکه تو می فهمی، دیگران نمی فهمند؟ چرا، همه می فهمند ولی دیگران عاقلند و زبانشان را کنترل می کنند. حالا تو عقلت نمی رسد و همین جور می نویسی.»

دوشنبه | زن دست فروش، پشت چراغ قرمز، آمده است کنار ماشین و پیله کرده است که دستمال کاغذی بخر! وقتی چشمش به عمامه‌ام می افتد که روی صندلی کنارم گذاشته‌ام، می گوید: «تو که مسلمونی حاجی، یکی بخر!»...

سه شنبه | مرد جوان خوش قدقامتی که کش هایش پاره و لباسش مندرس است، از مشکلات مالی و گرفتاری های اول

زندگی می نالد و می گوید: «پدرم ۷سال اسیر بود و جانباز ۶۰درصد است، ولی حالا خودم حقوق مرتب ندارم و گاهی دو هفته سه هفته طول می کشد تا حقوقمان را بدهند. الان ۲میلیون و ۱۰۰هزار تومان به من می دهند ولی همان را هم مطمئن نیستم که ماه بعد، بتوانم بگیرم. وقتی هم حقوقم را می ریزند، به دو روز نمی کشد که

همه‌اش بابت اجاره خانه و قسط وام و قرض می رود و بعد من می مانم و یک ماه بعدش که باید با مسافر کشی با موتورسیکلت بگذرانم، مردم هم فکر می کنند چون پدرم ایثارگر بوده، همه چیز داریم.» در تمام مدتی که او دارد درددل می کند، من به کسانی فکر می کنم که هم رزم پدر او بوده‌اند و الان بچه هایشان همه چیز دارند.

چهارشنبه | توی آسانسور مرکز خرید، وقتی دست دختر کم را می گیرم تا آهسته به همراه مادرش وارد کابین شود، مرد جوانی که زودتر از ما سوار شده است، نگاهی معنی دار از سر شوق و حسرت به مامی اندازد که معنی اش را همان لحظه می فهمم. و وقتی نگاهش می کنم، عکس دخترکی را بر صفحه گوشی تلفن همراهش نشان می دهد و می گوید: «دلم برای بچه‌ام خیلی تنگ شده است. ۸ماه است صاحب کارم نگذاشته است بروم شهرستان.»

حالم خوب نیست. دنبال بهانه‌ای می گردم تا زودتر از آسانسور بیرون بروم. وقتی مردی ۸ماه از زن و بچه اش دور است، خانواده دیگر چه معنایی دارد؟ بر آن زن چه می گذرد؟ بر این مرد چه؟ و آن کودک چه تصویری از رابطه عاطفی درون خانواده خواهد داشت؟

پنجشنبه | در ساعات پایانی شب، خسته و کوفته از سفر برگشته ام و مشغول خارج کردن خودرو از پارکینگ فرودگاه هستم. بر خلاف انتظارم، متصدی پارکینگ بسیار خوش اخلاق و مؤدب است و با لبخند و احترام خاص خود، خستگی سفر را از تنم بیرون می آورد. در حالی که دارم کارت بانکی را به او می دهم، می گویم خوش به حال زنت که شوهرش این قدر خوش بر خورد و مهربان است! می خندد و می گوید: هنوز زن نگرفته‌ام.

حدیث روز

مبادا مسلمانی را دشنام دهی یا راستگویی را تگذاری کنی.

پیامبرقریبی

۴۳٪ رطوبت هوا

۶°↓ ۲۰°↑

ظهر ۱۹°

صبح ۸°

عصر ۱۲°

شب ۹°

اذان ظهر ۱۱:۴۶

غروب آفتاب ۱۷:۰۲

اذان مغرب ۱۷:۲۲

● نیمه شب شرعی ۲۳:۰۲

● اذان صبح فردا ۰۵:۰۵

● طلوع آفتاب فردا ۰۶:۲۷

روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۱۸
۱۱
۹۹
۳۶صفحه**۴۰**صفحه **روزنی**
۱۶صفحه**شهرارامجله ۴۰**صفحه**زندگی نو**
شماره ۳۳۱۸ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق نامه اخلاق حرفه ای

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نقشه

نگاه بکنند، فرقی دراصل ماجرا نمی‌کند.

مثل قضیه واکسن کرونا و مابقی حواشی آن که هرطورنگاه کنید، آخرش

به پول ختم می شود؛ پول درآوردن از

مرگ و زندگی آدم‌ها. موضوعی که

دست‌ما به آخرین اثر

«تام یانسن» کارتون‌نویست هلندی شده

است. یانسن دراین اثر، خیلی صاف و

پوست‌کننده بدون پرداختن به جزئیات

اضافه به موضوع می پردازد. چهارنفر

آدم و یک جعبه، تمام عناصر کارش را

تشکیل می دهند. چهارنفری که هرکدام

نشانه یک چیز هستند. درمیانه تصویر

دومردباهم درگیر هستند و می خواهند

جعبه‌ای را که رویش نوشته شده است

واکسن کووید۱۹ازجنگ هم دربیاروند.

پایین بپاشان، زنی سیاه پوست با

کودکی که به پشتش بسته است،

پشت به تصویر ایستاده است و دارد

این جدال را نگاه می کند. مرد چاق و

اخمویی که سمت چپ تصویر قرار

گرفته است، نشانه ثروتمندان است.

مرد دیگر که قدری قلچماق تر به نظر

می رسد، نشانه کشورهای توسعه یافته

است که دارد داد می زند: «تقسیم

کنیم». ولی تقسیم کردن چه چیز؟

تقسیم کردن سودسوارتولیدواکسن

و هزارعایدی دیگرشیوع همه گیری، یا

تقسیم کردن خود واکسن و نجات

آدم‌ها؟ درانتظارآن و فرزندش که غمگین

و متعجب هستند، نشانه عده زیادی از

آدم‌ها و ممالک جهان‌سومی و فقیر

کلاهی از پوست آدم‌های مرده

امیرمنصور رحیمیان نمی‌خواهم

ادای فیلسوف‌ها در دریابورم و

شمارا وارد بحث‌های بی‌پایان

فلسفی بکنم. برای همین هم

یکراست می روم سر اصل

مطلب: «واقعیت با حقیقت

توفیر می‌کند». واقعیت هیچ‌وقت تغییر

نمی‌کند. اما حقیقت را می‌شود تفسیر

کرد. ولی بعضی امور، هر دو قسم

ماجرایشان یک شکل است. دقیقاً مثل

یک تپله شیشه‌ای شفاف که از هر طرف

مثل یک تپله شیشه‌ای است؛ نه بیشتر،

نه کمتر؛ با همان جرم و حجم و شکل

ظاهری که از آن می‌شود توقع داشت.

واقعیت و حقیقت بعضی ماجراهایی

است. لازم نیست که آدم، هوش

سرشاری داشته باشد و حقایق را تکه تکه

جمع بکند تا بفهمد اصل قضیه؛ از چه قرار

است. فرقی هم نمی‌کند که قد آدم کوتاه

باشد یا بلند، زیرخروا یا ب درقایانوس

اطلس باشد یا روی بلندی‌های فلات

تبت، در برجی بر طمران در پاریس

باشد یا در بیغوله‌های اطراف بمبئی،

گلوله شیشه‌ای همان است که بود البته

خوب است که آدم هر روایت را از زاویه

خودش نگاه بکند و استقلال رای داشته

باشد. ولی گاهی اوقات از هر زاویه‌ای

طرح Tom Janssen

هستند و هیچ شانس برایشان متصور

نیست. کارتون‌نویست انگار جای فراتر از

بیننده صرف قرار گرفته است؛ جایی که

هیچ پس زمینه‌ای ندارد. یانسن، جایی

فراتر از تفسیر حقیقت، نشسته است و

سعی می‌کند این منظور را برساند که

همه این بازی‌ها چیزی جز یک نمایش

فریبکارانه نیست. در جهانی که جان

آدم‌ها باز بچه ثروت می شود،

هیچ چیز ارزش ندارد. ولی چرا یانسن به

این موضوع پرداخته است؟ در اوضاع

همه گیری کرونا، دارایی ثروتمندان

جهان بیش از ۲۷ درصد افزایش پیدا

کرده است و آن‌ها قدرت بیشتری پیدا

کرده‌اند، تاجایی که شرکت‌های جدیدی

در زمینه داروسازی تأسیس کرده‌اند تا

در این اوضاع درهم و برهم، سود

بیشتری به جیب بزنند. ازسوی دیگر

کشورهای توسعه یافته هم بیکار

نبوده‌اند و هر روز در حال رونمایی از

واکسن‌های جدید هستند؛

واکسن‌هایی با اسم‌های مختلف و

کارایی یکسان. این وسط فقط

کشورهای فقیر هستند که به فناوری

ساخت دارو دست نیافته‌اند و به جز

استفاده کردن از واکسن‌های موجود،

چاره دیگری ندارند؛ موضوعی که خیلی

از کشورها به آن پی برده‌اند و سعی

می‌کنند از این نمד کلاهی برای

خودشان بیابند. ولی کلاهی که از این

نمد نصیبشان می‌شود، از پوست

آدم‌های مرده است.



- روزنامه فرهنگی - اجتماعی - اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۲۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

کیوسک



اوسست فرانس

برابری حقوق زن و مرد از آن دسته موضوع‌هایی است که حتی در سال ۲۰۲۱ هم بر سر آن مناقشه‌هایی وجود دارد، آن هم در کشورهایی که همواره شعار برابری و آزادی سر می‌دهند. «اوسست فرانس» در مطلبی با تیتیر «راهی طولانی تا برابری زن و مرد در محیط کار»، به بهره‌گیری از آماریک نظرسنجی به این موضوع پرداخته و نوشته است: «به عقیده حدود ۶۰درصد فرانسوی‌ها، برابری شغلی زن و مرد موضوعی است که عمل به آن اهمیت دارد.»

لاکروا

آمار جان‌باختگان ناشی از کرونا در اروپا، اهمیت واکسیناسیون سراسری در این قاره را بیش از پیش افزایش داده است. روزنامه فرانسوی لاکروا نیز دوشادوش دیگر رسانه‌های این کشور، همواره پیگیر واکسن کرونا بوده است. «لاکروا» در این راستا در مطلبی با تیتیر «چگونه همه فرانسوی‌ها را واکسینه کنیم» به صحبت‌های اخیر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه که متعهد شد تا قبل از تابستان به همه فرانسوی‌ها پیشنهاد واکسیناسیون داده می‌شود، اشاره کرده و نوشته است: «این چالشی پیچیده است اما غلبه بر آن غیرممکن نیست.»

تاریخ‌نگار

افتتاح کانال خبری انقلاب

در روز ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ که درواقع هفتمین روز دهه سرنوشت ساز پیروزی انقلاب اسلامی است، رویدادهای مختلفی رخ داد که در تاریخ انقلاب ثبت شد. رویدادهایی مانند ملاقات قضات دادگستری با امام (ره) و اظهارات ایشان درباره محاکمه غیابی شاه، روز افتتاح کانال خبری انقلاب و...

خاطرات یکی از کلیدداران انقلاب درباره رویداد «کانال خبری انقلاب» در کتاب «کارنامه و خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸» (اکبر هاشمی رفسنجانی) منعکس شده است. روایت هاشمی رفسنجانی درباره کانال خبری انقلاب، در کتاب «انقلاب و پیروزی» چنین است: «تقریباً هم‌زمان با مسئله آمدن امام به ایران، موضوع افتتاح کانال خبری انقلاب مطرح شد. ما پیش‌بینی می‌کردیم با تسلط رژیم بر کانال، مدرسه علوی و مهم‌ترین برنامه‌های آن، بخش پیام‌های امام و اخبار رویدادهای انقلاب بود. اوج فعالیت‌های این کانال تلویزیونی تا قبل از روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، بخش مستقیم مراسم انتخاب مهندس بازرگان به نخست‌وزیری و اعلام حمایت‌های مردمی از وی بود، اما با فرارسیدن این روزها، مهم‌ترین خبرها به درگیری مردم با نیروهای حامی رژیم اختصاص یافت. درواقع دسمت‌اندرکاران دفتر امام از یک طرف تلاش می‌کردند که ایشان لحظه به لحظه در جریان حوادث شهر قرار گیرند و از طرف دیگر، مردم هم با استفاده از کانال خبری انقلاب، از اخبار مهم مطلع شوند. آخرین پیام امام را که از این پیام پخش شد و درست در بعدازظهر روز ۲۲ بهمن و بعد از اعلام بی‌طرفی ارتش بود، خود من قرائت کردم. در این پیام، امام از مردم خواسته بودند که در عین هوشیاری و مراقبت و آمادگی برای درهم‌گوبیدن هر نوع حمله تازه ازسوی ارتش، در صورتی که نظامیان واقعا به پادگان‌ها برگشته‌اند، از حمله درگیری با آن‌ها در پادگان‌هایشان، خودداری شود و با تاکید بر لزوم وحدت ملت و جلوگیری از رخنه عوامل مشکوک، فرموده بودند از آتش‌زدن سازمان‌های دولتی و خصوصی که سرمایه‌های ملت است، خودداری شود. آغاز به‌کار انقلابیون در تلویزیون ملی کشور، پایانی خوش برای برنامه‌های ارزنده و تأثیرگذار کانال خبری انقلاب بود.»

زین‌قندپا

علیرضا حدیدی | مدرس ویراستاری



«آزمایش» واژه‌ای فارسی است که نباید با نشانه جمع عربی «ات» جمع ببندیم.

● آزمایشات ✖ ● آزمایش‌ها ✔

#زین‌قندپاریسی

مجله عصر هزاره هجده شصت



برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید

